

آش شله قلمکار

ضرب‌المثل‌ها، جمله‌ها یا عبارت‌های کوتاه و مشهورند. ضرب‌المثل‌ها گاهی یک داستان را به صورت خلاصه یادآوری می‌کنند و گاهی پندی می‌دهند. وقتی مردم می‌خواهند نظرشان را با یک سخن کوتاه و مؤثر بگویند. ضرب‌المثلی را به کار می‌برند. «ضرب‌المثل» یعنی نمونه آوردن. ضرب‌المثل‌ها در دل خود یک دنیا حرف دارند. آن‌ها معمولاً با یک رویداد مشهور تاریخی رایج شده‌اند.

آش پر دردر ناصرالدین شاه



این ماجرا حدود ۱۵۰ سال پیش در دوره‌ی حکومت قاجاریه روی داده است.

بیماری وبا در تهران به جان مردم افتاده بود. ناصرالدین شاه قاجار هم به این بیماری دچار شد. برای شاه قاجار، آش تهیه کردند که انواع و اقسام چیزها را در آن ریخته بودند. شاه چاق و چله‌ی قاجار از آن آش خورد و اتفاقاً حالش خوب شد. برای همین، از این آش خاطره‌ی خوشی در ذهن او باقی ماند. به این آش، شله قلمکار می‌گفتند. بعد از این رویداد، ناصرالدین شاه تصمیم گرفت کاری کند که هیچ کس داستان آن آش را فراموش نکند. بنابراین دستور داد که هر سال آن آش را بپزند.

آش شله قلمکار

هر وقت کاری با شلختگی انجام شود؛ هر وقت چیزی نظم و ترتیب درست و حسابی نداشته باشد؛ هر وقت جایی به هم ریخته و درهم برهم باشد؛ هر وقت چیزهای بی‌ربط در کنار هم قرار گرفته باشند، می‌گوییم: آش شله قلمکار، آشی است که در آن همه جور حبوبات می‌ریزند.



ادامه‌ی داستان آتش!

بهار هر سال، شاه قاجار همه‌ی اطرافیان خود، یعنی وزیران شاهزاده‌ها، اشراف، همسران، غلامان و فرماندهان را جمع می‌کرد. بعد، آن‌ها را به منطقه‌ی سرخه‌حصار می‌برد که در شرق تهران قرار داشت. در سرخه‌حصار، چادرهای زیادی بر پا می‌شد. همراهان شاه، گروه گروه در این چادرها می‌نشستند و مواد لازم آتش را آماده می‌کردند.

آتش شاه در دوازده دیگ بزرگ بار گذاشته می‌شد. چندین رأس گوسفند بیچاره هم در آتش ملوکانه پخته می‌شدند. هر چیز دیگری را هم که بشود فکرش را کرد داخل این آتش می‌کردند: نخود، سبزی، لوبیا، ماش، عدس، برنج، فلفل، سیب، گشنیز، چغندر، لپه، بادمجان، روغن، مرغ، قند، آب لیمو، آلو بخارا و...!

هر کدام از نزدیکان شاه، سعی می‌کرد تا در تهیه‌ی آتش شاه، بیشتر همکاری کند تا دل شاه را به دست بیاورد. بعد از خوردن آتش هم جشنی بر پا می‌شد.

از آن موقع، هر کس کاری انجام دهد که نظم مشخصی نداشته باشد، به نتیجه‌ی کار او «آتش شله‌قلمکار» می‌گویند.

عمارت شمس‌العماره، اولین ساختمان پنج طبقه در ایران



کوتاه و خواندنی

ناصرالدین شاه دستور داد برای نخستین بار در ایران یک ساختمان پنج طبقه بسازند. این ساختمان «شمس‌العماره» نام داشت و اولین بنای ایرانی بود که در آن آهن به کار رفت.

وقتی حکومت قاجاریه به پایان رسید، اندازه‌ی نقشه‌ی ایران نصف شده بود! قبلاً کشورهایمانند افغانستان و گرجستان جزو ایران بودند.

اولین صدایی که در ایران ضبط شده، صدای مظفرالدین شاه قاجار بود.

شهر تهران، در زمان قاجارها پایتخت ایران شد.

ناصرالدین شاه که بود؟

ناصرالدین شاه، حدود ۱۸۰ سال پیش در تیر ماهی

گرم به دنیا آمد. پدر او محمدشاه قاجار

بود. احتمالاً ناصرالدین شاه، اولین مرد

ایرانی بود که عکاسی را یاد گرفت. البته او بیشتر

دوست می‌داشت که از خودش عکس بگیرند!

این شاه قاجار به شعر هم علاقه‌ی زیادی

داشت. عادت داشت که هر روز خاطرات

روزانه‌اش را بنویسد. عصرها هم در

ایوان کاخ شمس‌العماره می‌نشست

و شعر می‌سرود. خط خوبی داشت

و نقاشی‌های بامزه هم می‌کشید. اما

بر عکس، در کار کشورداری انسان

ناواردی بود. در زمان او نقشه‌ی ایران

خیلی کوچک شد.

